

مسئولیت ضامن در ضمانت از دین دیگری

ضمان در لغت به معنای تقبل کردن، پذیرفتن، بر عهده گرفتن دین دیگری و ملتزم شدن است به اینکه هرگاه کسی به عهد خود وفا نکرد در پرداخت دین، ضامن از عهده خسارت برآید.



ضمان در لغت به معنای تقبل کردن، پذیرفتن، بر عهده گرفتن دین دیگری و ملتزم شدن است به اینکه هرگاه کسی به عهد خود وفا نکرد در پرداخت دین، ضامن از عهده خسارت برآید.

به گزارش «تابناک» در موضوع و بحث ضمانت که تحت عنوان عقد ضمان مطرح می شود ابتدا باید به تشریح لغوی واژه ضمان بپردازیم، هر چند بیشتر منظور از ضمان همان معنای خاص حقوقی این واژه است. ضمان به معنی اخص همان ضمانی است که در قانون مدنی از مواد ۶۸۴ تا ۷۲۳ به آن پرداخته شده است.

ضمانت در ماده ۶۴۸ قانون مدنی

در ماده ۶۴۸ قانون مدنی آمده است که عقد ضمان عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است، بر عهده می گیرد. یعنی تعهد به مال است. بدین شکل که شخصی مالی را که بر گردن دیگری است به عهده می گیرد.

پس از تعریف خاص این واژه آنچه موضوعیت دارد آشنایی با معانی واژگان ضمان، مضمون له، مضمون عنه، مضمون به، اهلیت و عقد لازم است.

منظور از ضمان، همان عقد غیرقابل فسخ، منظور از مضمون له، طلبکار؛ مضمون عنه، مدیون اصلی؛ مضمون به، مورد ضمانت و اهلیت یعنی شایستگی ضامن باید برای معامله اهلیت است.

ضامن در عقد ضمان، تعهد به دین (مالیت مورد ضمان و در ذمه بودن مورد ضمان) می کند و اهلیت طبق ماده ۱۹۰ قانون مدنی از شرایط اساسی صحت کلیه معاملات است، بنابراین ضمان صغیر و مجنون باطل است، زیرا آنان دارای اهلیت معامله نیستند.

مجنون ادواری در حال افاقه و نیز سفیه به اذن قیم خود می تواند ضمانت کنند. البته قیم می تواند، اما باید مصلحت او را در نظر بگیرد.

ضمانت در ماده ۷۰۱

در نتیجه در عقد ضمان رضایت ضامن و مضمون له فایده اثر است. آنچه در این عقد در برابر تعهد ضامن قرار می گیرد به سود مدیون اصلی است که برائت می یابد.

به موجب ماده ۷۰۱ قانون مدنی، ضمان عقدی لازم است و ضامن یا مضمون له نمی تواند آن را فسخ کنند. نکته مهم دیگر در موضوع ضمانت این است که در صورتی که بطلان دین اصلی به دلیلی اثبات شود، ضمان نیز باطل است.

اما هرگاه قراردادی که مبنای آن دین بوده است، فسخ شود، ضمان باطل نیست، چون فسخ ناظر به آینده است و هنگام ضمان دین بر ذمه مضمون عنه بوده است.

این وصف ضمان تنها جنبه اخلاقی ندارد و از نظر حقوقی هم در احکام آن اثر دارد. چنانکه قانونگذار در ماده ۶۹۴ قانون مدنی می گوید: علم ضامن به مقدار، اوصاف و شرایط دینی که ضمانت آن را می کند شرط نیست؛ بنابراین ممکن است شخصی از درمانده ای نا شناس ضمانت کند البته، چون ضمان تعهد است و موضوع تعهد حقوقی است و اطراف آن باید معین شود، موضوع دین و طلبکار آن نباید به کلی مجهول و مردود باشد بلکه شناخت اجمالی به طرفین کفایت می کند.

به موجب ماده ۷۰۱ قانون مدنی، ضمان عقدی لازم است و ضامن یا مضمون له نمی تواند آن را فسخ کند، اما در مواردی استثنایی از جمله جهل مضمون له به اعمار ضامن عقد ضمان را می توان به دستور ماده ۷۰۱ قانون مدنی فسخ کرد.

در صورتی که مضمون له در حین عقد به اعسار ضامن یا وجود حق فسخ نسبت به دین مضمون به جاهل باشد و تخلف از مقررات عقد کند، بر اساس ماده ۶۹۰ قانون مدنی، اگر مضمون له در وقت ضمان به عدم تمکن ضامن جاهل باشد، می تواند عقد ضمان را فسخ کند.

همچنین نیازی نیست در حین عقد، ضامن مالدار باشد، زیرا ضمان، تعهد به تأدیه دین است و مانند اقتراض است که معسر و مفلس نیز می توانند قرض کنند.

اثر اعسار ضامن، آن است که در موعد معین نمی تواند از عهده ایفای دین خود برآید و این امر موجب ضرر مضمون له خواهد بود بنابراین مضمون له باید در حین عقد از وضعیت مالی ضامن آگاه باشد و در صورتی که به اعسار او آگاه باشد عقد ضمان غیر قابل فسخ است؛ لذا می توان گفت که ملی ء بودن ضامن شرط لزوم عقد ضمان است. در صورتی که ضامن در زمان عقد ضمان ملی ء بوده و بعدا معسر یا مفلس شود مثلا دارایی او دچار حریق شود مضمون له خیار فسخ نخواهد داشت، زیرا شرط لزوم در حین عقد موجود بود و اعسار موخر نمی تواند در عقد مقدم تاثیر کند.

همچنان که هرگاه در زمان عقد ضامن معسر بوده و مضمون له از آن آگاه نباشد و پس از عقد ملی ء شود خیار مضمون له ساقط نمی شود، زیرا خیار در اثر اعسار محقق شده و چنان که در بقای آن پس از پیدایش ملائت تردید شود بقای خیار استصحاب می شود.

مضمون له هم نمی تواند قبل از سررسید آن، طلب خود را از ضامن بخواهد

بر اثر ضمان بین ضامن و مضمون له، ماده ۶۹۸ قانون مدنی مقرر می دارد که بعد از اینکه ضمان به طور صحیح واقع شد ذمه مضمون عنه بری ء و ذمه ضامن به مضمون له مشغول می شود.

برائت ذمه مضمون عنه اثر مستقیم انتقال دین است که مبنای ضمان به معنی مطلق است و البته این امر با اینکه مضمون له بتواند به هر یک از ضامن و مضمون عنه رجوع کند، منافات ندارد.

موضوع دیگر بحث زمان تعهد ضامن است که ضامن باید دین خود را در موعدی که در عقد ضمان مقرر است، به مضمون له تأدیه کند و مضمون له هم نمی تواند قبل از سررسید آن، طلب خود را از ضامن بخواهد اگر چه زمان تأدیه دین اصلی گذشته باشد.

حال شدن دیون موجهه در اثر فوت مدیون از مسلمات حقوق امامیه است. زیرا در اثر فوت، ذمه میت که قائم به شخصیت حقوقی او است، زائل می شود و دین او به ترکه تعلق می گیرد.

اگر مضمون له ذمه مضمون عنه را بری کند، ضامن بری نمی شود، زیرا در اثر ضمان، دین از ذمه مدیون اصلی به ذمه ضامن منتقل شده و به خودی خود ذمه مدیون اصلی بری می شود؛ بنابراین بری کردن ذمه مضمون عنه جز تاکید، اثر دیگری ندارد مگر اینکه مقصود مضمون له از ابراء، ابراء از اصل دین باشد و در حقیقت طلبکار قصد ابراء ذمه ضامن را داشته باشد که در این صورت باید مقصود خود را اعلام کند.

ضامن؛ مدیون مضمون له

در بحث دیگر تحت عنوان ضمانت از ضامن نیز موضوعات حقوقی مطرح شده است؛ از جمله اینکه ضامن به موجب ضمانتی که از مضمون عنه می کند، مدیون مضمون له می شود. ممکن است مجددا شخص دیگری از او ضمانت کند. این مطلب در ماده ۶۸۸ قانون مدنی مورد تصریح قرار گرفته است.

این ماده می گوید: ممکن است از ضامن ضمانت کرد؛ بدین شکل که چند نفر به صورت تسلسل از یکدیگر ضمانت کنند؛ مثلا حسین به تقی مدیون است، حسن از حسین ضمانت می کند و «حسین» از «حسن» ضمانت می کند.

بنابر نظریه نقل ذمه به ذمه با تحقق ضمانت هر یک از ضامنان، دین ضامن قبلی، به ضامن بعدی منتقل می شود و آخرین نفر ضامن است که مدیون مضمون له تلقی می شود و مضمون له فقط حق رجوع به او را دارد.

حال پس از پرداخت دین توسط آخرین ضامن، وی فقط حق دارد به مضمون عنه خود رجوع کند و به همین ترتیب هر ضامن به مضمون عنه خود رجوع می کند.

در این مورد ماده ۷۲۲ قانون مدنی می گوید ضامن ضامن حق رجوع به مدیون اصلی را ندارد و باید به مضمون عنه خود رجوع کند و به همین طریق هر ضامنی به مضمون عنه خود رجوع می کند تا به مدیون اصلی برسد.

حالات مختلف پرداخت دین از سوی ضامن

چنانچه مدیون اصلی از پرداخت دین خودداری کند، مضمون له می تواند به هر کدام یا به همه ضامنان جهت انجام تعهد رجوع کند و هر کدام از ضامنان به تنهایی در مقابل کل دین مسولیت تضامنی دارند مگر ضامنان به قدر تسهیم ضمانت کرده باشند که در این صورت فقط به اندازه سهم تعهدی، حق رجوع به آن ها وجود دارد.

چنانچه دین مدت داشته باشد و ضامن بخواهد زود تر دین را پرداخت کند، تا زمان سررسید حق مطالبه از مدیون اصلی را ندارد.

نکته مهم دیگر اینکه گاهی مضمون له فوت می کند، اما ضامن کسی جز ورثه او نیست؛ در این حالت ورثه حق رجوع به مضمون عنه را دارند چرا که ضامن جای مضمون عنه را می گیرد. رجوع می تواند از طریق غیر قضایی یا از طریق قضایی با تقدیم دادخواست علیه ضامنان باشد؛ لذا در صورت رجوع قضایی، ضامنان که خوانده دعوا هستند، محکوم به پرداخت دین می شوند و در صورت عدم پرداخت، با درخواست خواهان تا استرداد دین، ضامنان محکوم قطعی به حبس می شوند.